

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: یوری باریسوف (YURI BORISOV)

برگردان: ا.م. شیری

۱۸ مارچ ۲۰۲۳

قوانین خاص جنگ بزرگ



هنوز که وقت کمی باقی مانده...

خبرهایی از ایران می‌رسد که تا همین اواخر طنز به نظر می‌رسید. و امروز در شرایطی که پهپادهای مشابه ایرانی دشمنان ما را در جبهه‌های عملیات ویژه نظامی در هم می‌کوبند، دیگر جایی برای تمسخر باقی نمی‌ماند. در ایران، پایگاه شناور شهید مهدوی که با بازسازی یک کشتی غیرنظامی، کشتی کانتینری سروین سابق با وزن مرده بیش از ۴۱۰۰۰ تن ایجاد شد، رسماً به نیروی بحری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تحویل گردید. این کشتی به نام نادر مهدوی از ناوی‌های نیروی بحری سپاه که در یکی از درگیری‌های بحری با امریکائی‌ها در سال ۱۳۶۶ جان باخت، نامگذاری شده است. این کشتی چند منظوره ۲۴۰ متر طول و ۳۲ متر عرض دارد، بر روی آن تجهیزات توپخانه و دستگاه‌های راکتی نصب شده و قابلیت حمل انواع قایق‌های سبک و موتوری، پهپاد و هلیکوپتر را دارد.



چند وقت پیش، اما در یک دوره تاریخی متفاوت، یعنی قبل از شروع عملیات نظامی ویژه، راقم این سطور مقاله‌ای نوشت که «کارشناسان نظامی» بومی نیز آن را طنزگونه ارزیابی نمودند. این مقاله اگرچه به طور کلی، یکسری موضوعات ساده و این واقعیت را توضیح می‌داد که در زمان جنگ نه به فکر «چاق شدن»، بلکه باید در اندیشه «زنده ماندن» بود و در نبرد لازم است هر کار ضروری برای هدف انجام شود.

در مقاله نوشته شده در سال ۲۰۲۰ مشخصاً از تجربه منحصراً به فرد یک حمله آموزشی آبی خاکی در بحیره خزر صحبت می‌شد که طی آن ملوانان باهوش ناوگروه خزر در مانور ستراتیژیک «قفقاز ۲۰۲۰-»، که به دلیل فقدان وسایل فرود منظم، در شرایط سخت قرار گرفته بودند، به این فکر افتادند که نفربرهای زرهی شناور را از عرشه نامناسب برای این شناور به آب بیندازند. به این ترتیب، ملوانان ناوگروه خزر روسیه نیوخ حیرت‌انگیز خود را به نمایش گذاشتند. شاید برای اولین بار در تاریخ عملیات فرود آبی خاکی بود، که فرود تجهیزات نظامی از روی جرثقیل لودر شناور انجام گرفت. ده نفربر زرهی بحری آ ۸۲- بر روی عرشه جرثقیل شناور وی‌تی‌ار ۷۹- و پنج نفربر دیگر بر روی جرثقیل وی‌تی‌ار ۱۷۹- بارگیری شده بودند. نفربرهای زرهی یکی یکی با استفاده از جرثقیل از عرشه قابی‌ها به سطح آب پائین می‌آمدند و در خط نبرد صف کشیده و به سمت ساحل حرکت می‌کردند.

ایمنی نسبی این عملیات منحصراً به فرد برای ناوگان مدرن، با این واقعیت تضمین شد که به آب انداختن وسایل نقلیه زرهی در کنار کشتی، محفوظ از آتش هدف دشمن انجام گرفت. علاوه بر این، مواضع جلویی دشمن در ساحل تا آن زمان توسط اولین موج فرود و هلیکوپترهای رزمی سرکوب شده بود.



تکرار می‌کنم، بعداً این تجربه آموزشی رزمی، به بیان ملایم، با شک و تردید درک شد و سپس عملیات ویژه نظامی آغاز گردید و دوره جدیدی فرارسید. نیازهای ارتش دیگر با مانور یا محاسبات برگزارکنندگان رژه نظامی سنجیده نمی‌شود. در چنین دوره‌ای دشمن از کاستی‌ها چشمپوشی نمی‌کند و برای اصلاح آن وقت باقی نمی‌گذارد.

در سال ۲۰۱۹، همچنین مجبور شدم در مورد مشکلاتی که ممکن است در رابطه با دستگاه‌های هوانوردی فوق مدرن و در عین حال، فوق پیچیده ما ایجاد شود، بنویسم. دلیل آن هم دقیقاً این بود که ساخت و استفاده از آن‌ها بسیار دشوار است و ما بسیار کم در اختیار داریم.

مشکل اصلی مرتبط با تولید مجموعه دستگاه‌های حمله هوایی مدرن در مقیاس کامل، پیچیدگی شدید زنجیره فن‌آوری تولید آن‌ها است که صدها کارخانه و سایر پیمانکاران فرعی را شامل می‌شود. این زنجیره در شرایط جنگی بسیار آسیب‌پذیر می‌شود و حتی اگر یک یا دو مؤسسه اصلی تولید از بین برود، می‌تواند به طور کامل از دور خارج شود.

شما می‌توانید هر قدر که دوست دارید آب در هاون بکوبید و برتری غیرقابل انکار هواپیمای سنگین جهان، مانند همان سو ۳۴- یا حتی سو ۲۵- را ثابت کنید. اما چه فایده‌ای دارد که پس از یک سری ضربات با دقت بالا و گسست در زنجیره‌های تکنولوژیک، بسادگی جانی برای تولید آن‌ها وجود نداشته باشد؟ دقیقاً همین امر در مورد مشکل فرودگاه‌ها

نیز صدق می‌کند. باندهای بتنی راحت کنونی، که «ابرجنگنده‌های» ما به زیبایی از آن‌ها پرواز می‌کنند، در هفته دوم جنگ تنها در خاطرات نوستالوژیک باقی خواهند ماند. و این هواپیما، حتی برای برخاستن از بزرگراه‌های مناسب، چندان سازگار نیست. بگذریم از زمین‌های کثیف و مناطق خاکی. اما این‌ها فرودگاه‌های اصلی «پرواز» برای هواپیماهای تهاجمی خط مقدم در طول جنگ جهانی دوم بودند.

لزوم حداکثر ساده‌سازی، کاهش هزینه‌ها و ویژگی تجهیزات انبوه جنگی در زمان شوروی مطرح شد و پروژه‌های مرتبط توسعه یافت. باید در این مسیر پیش رفت.

در اواخر دهه هشتاد، رهبری نظامی کشور این مفهوم را گسترش داد که در صورت حمله هسته‌ای به اتحاد شوروی، کشور به چهار منطقه منفک و مستقل صنعتی- منطقه غربی، اورال، خاور دور و اوکراین تقسیم شود. طبق برنامه‌های رهبری، هر منطقه، حتی در شرایط سخت پس از حمله، باید بتواند به طور مستقل هواپیماهای ارزان قیمت برای ضربه زدن به دشمن تولید کند. این هواپیما قرار بود یک هواپیمای تهاجمی با قابلیت بازتولید آسان باشد.



هواپیمای تهاجمی سبک، طرح تی-۷۲۰، دهه ۱۹۸۰

یک جنگ بزرگ تمام عیار قوانین متفاوتی نسبت به عملیات ویژه محدود دارد. البته، مانورهای نظامی جای خود دارند. یک جنگ بزرگ به بیشترین تعداد اسلحه، به سرعت عمل و تا حد امکان، ارزان نیاز دارد.

البته، در زمان صلح، ظرف بیست سال می‌توان یک ناو هواپیمابر فوق‌پهلوپه یا یک کشتی پهلوگیر چند منظوره یا مثلاً یک دوجین جنگنده فوق پیشرفته در سال ساخت. اما اگر ده‌ها کشتی از این قبیل و صدها هواپیما، نه در طول سال‌ها، بلکه اکنون مورد نیاز باشد، چه باید کرد؟

ایرانیان نشان می‌دهند که از هر امکان در دسترس و از هر چیزی که کم و بیش مناسب است، باید استفاده کرد. همان کشتی کانتینری را دوباره می‌توان به یک ناو هلیکوپتربر تبدیل کرد. یا تعداد زیادی قایق مینیاتوری می‌توان ساخت که هر کدام با راکت خود می‌تواند سوراخ بزرگی در کشتی «سوپر پوپر» امریکایی به قیمت ۱۰ میلیارد دلار ایجاد کند. اما بهتر است این کار حتی قبل از شروع جنگ انجام شود.



این دقیقاً همان کاری است که هر کشور درگیر جنگ بزرگ باید انجام دهد. در صورتی که در یک جنگ جدی می‌توان زنجیره‌های تولید را که بدون آن ایجاد ساختارهای منحصر به فرد اصولاً غیرممکن است، نابود کرد، روی هم انباشتن پروژه‌های بسیار پیچیده و گران‌قیمت در صورتی که احتمال می‌رود در جنگ یکبار مصرف شوند، چه فایده‌ای دارد؟ امروز که هنوز وقت کمی باقی مانده، باید به آن فکر کنیم.

نقل از: [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#)

۲۶ اسفند-حوت ۱۴۰۱